یادداشت روز

بدتر از دولت سوم روحانی

آقای روحانی را می‌توان «نامحبوب‌ترین» رئیس‌جمهور ایران لقب داد. این نه ادعای ما که نتیجه نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) وابسته به جهاد دانشگاهی است؛ که از قضا جهت‌گیری‌اش در پاره‌ای امور همسو با دولتمردان آقای روحانی دسته‌بندی می‌شد. درآخرین نظرسنجی ایسپا در مرداد ۱۴۰۰ میزان محبوبیت آقای روحانی تنها ۷ درصد بود که رکوردی بی‌سابقه در میان رؤسای جمهور ایران محسوب می‌شود. رئیس‌جمهور قبل از ایشان یعنی آقای احمدی‌نژاد در آخرین نظرسنجی ایسپا در سال ۱۳۹۱، ۲۶ درصد محبوبیت داشت.

اما این روزها برای تشخیص عدم محبوبیت آقای روحانی نیازی به نظرسنجی نیست. فقط کافی است نگاهی به نامزدهای انتخاباتی همسو با ایشان انداخت و تلاش‌شان برای ایجاد فاصله‌گذاری معنادار با آقای روحانی و دولتش را مشاهده کرد. ۲۷ خرداد ۱۴۰۳ وقتی خبرنگاری از مصطفی پورمحمدی نامزد چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری که سابقه ۴ سال وزارت در کابینه آقای روحانی را دارد؛ پرسید: بعضی معتقدند دولت شما، دولت سوم آقای روحانی خواهد بود؟ پورمحمدی با قاطعیت انکار کرد و گفت: «من دولت اول و مقتدر و پیشتاز در جمهوری اسلامی خواهم بود.»

مشابه همین اتفاق برای آقای مسعود پزشکیان افتاد. او هم ۲۷ خرداد در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری با قاطعیت گفت: «من دولت سوم روحانی نیستم» و فردای آن روز در قسمت پایانی سخنانش در اولین مناظره تلویزیونی ضمن ابراز ارادت به شهید رئیسی از حسن روحانی اعلام برائت کرد و گفت: «من هیچ ربطی به دولت روحانی ندارم» اما این سخنان از جانب آقای پزشکیان غیرقابل باور بود.

کمتر از ۱۲ ساعت بعد آقای پزشکیان، محمدجواد ظریف یکی از چهره‌های اصلی دولت روحانی را به عنوان مشاور خود در میزگرد سیاسی رسانه ملی انتخاب کرد. انتخابی که با توجه به حضور گسترده دولتمردان آقای روحانی در ستاد تبلیغاتی مسعود پزشکیان کاملا نشان می‌داد ما با دولت سوم روحانی مواجه هستیم اما ظاهرا آقای پزشکیان به دلیل تلخ‌کامی مردم از عملکرد خسارت‌بار آقای روحانی از اینهمانی با دولت ایشان به شدت پرهیز می‌کنند؛ این یک نوع اعتراف ناخواسته به سوءمدیریت در دولت‌های موسوم به اعتدال بود.

شاید مرور سه شاخص در دولت آقای روحانی برای نشان دادن عمق فاجعه کافی باشد. بیایید از وضعیت صادرات نفت شروع کنیم. در دولت آقای روحانی، جمهوری اسلامی بدترین وضعیت در زمینه تولید و صادرات نفت را تجربه کرد تا جایی که اسحاق جهانگیری معاون رئیس‌جمهور وقت وضعیت فروش نفت را بدتر از زمان جنگ دانست و گفت: «سال ۹۹ از سال‌های دوران جنگ تحمیلی هم سخت‌تر بود» تعلل دولت آقای روحانی منجر به کاهش شدید فروش نفت و از دست رفتن بازار نفت ایران شد. ۲ اسفند ۱۳۹۷ در حالی که ایران همچنان به توافق برجام پایبند بود، خبرنگار روزنامه آلمانی «زوددویچه» از محمدجواد ظریف درباره آمار فروش نفت ایران سؤال کرد که این‌طور پاسخ شنید: «[صادرات نفت ایران] به کمتر از زمان پیش از برجام، یعنی به کمتر از زمانی رسیده است که دور قبلی تحریم‌ها علیه ایران اعمال می‌شد.» این وضعیت اسف‌بار در دولت شهید رئیسی کاملا دگرگون شد. در این دولت هم نفت ایران به فروش رفت و هم درآمدهای حاصل از آن به کشور بازگشت. طبق گزارش منتشر شده در روزنامه انگلیسی فایننشال‌تایمز صادرات نفت ایران به بالاترین میزان در ۶ سال گذشته رسید و بیش از ۳۶ میلیارد دلار درآمد سالانه برای ایران کسب کرد. علاوه‌بر این، فرناندو فریرا از گروه انرژی مؤسسه آمریکایی راپیدان نیز گفت: «ایران هنر دور زدن تحریم‌ها را پیدا کرده و صادرات آن به دو میلیون بشکه نزدیک شده است.» مؤاخذه آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در جلسه استماع سنا مورخ ۲۱ می ۲۰۲۴ (۱ خرداد ۱۴۰۳) از طرف سناتورهای تندروی آمریکایی به همین دلیل انجام شد؛ اما بلینکن در مقابل سؤال آنها که چرا ایران نزدیک به دو میلیون بشکه نفت در روز می‌فروشد؟ یک اعتراف ساده و تلخ داشت: «ما ۲۰۰ شخص را تحریم و ۵۰ کشتی را متوقف کردیم، ما ۶۰۰ تحریم اضافه کردیم... [اما] آنها سخت تلاش کردند، مصمم بودند نفت‌شان را بفروشند و این کار را انجام دادند.»

رشد اقتصادی دهه ۹۰ که ۸ سال آن مصادف با دولت آقای روحانی بود یکی دیگر از آمار خجالت‌آور برای یک رئیس‌جمهور است. میانگین رشد اقتصادی کشور در دوره دوم دولت آقای روحانی(۱۳۹۶-۱۳۹۹) نزدیک به صفر و فقط ۰.۱ درصد بود.۱۲ تنها یک سال پس از آنکه سیدابراهیم رئیسی به ریاست جمهوری اسلامی ایران رسید؛ رشد اقتصادی کشور جهشی قابل توجه داشت و در سال ۱۴۰۱، به ۴ درصد رسید. بر اساس گزارش رشد اقتصادی سال۱۴۰۲ بانک مرکزی، اقتصاد ایران در سال گذشته با رشد ۴.۵ درصدی، بالاترین حد نصاب ۷ سال اخیر را ثبت کرده است.

تورم نیز یکی دیگر از شاخص‌هایی است که در دولت‌های موسوم به اعتدال رکورد زد. طبق آمار منتشر شده از بانک مرکزی، تورم در پایان دولت آقای روحانی به بالاترین رقم خود یعنی ۵۹.۳ درصد رسیده بود. مجموعه اقدامات اقتصادی دولت سیزدهم برای مهار تورم، منجر به کاهش آن شد و در فروردین ۱۴۰۳ تورم را به کانال ۳۰ درصد رساند. این مقدار نیز همچنان رقمی بالا برای شاخص تورم به حساب می‌آید و به همین دلیل دولت شهید رئیسی برای کاهش پلکانی آن در سال‌های بعد برنامه‌ریزی کرد و هدفگذاری بانک مرکزی برای پایان سال ۱۴۰۳، مهار تورم در کانال ۲۰ درصد تعیین شد. سید ابراهیم رئیسی توانست در کمتر از سه سال تورم نجومی ارث برده از دولت قبل را تقریبا به نصف برساند.

حالا شاید قابل فهم باشد که چرا نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با همه سلایق و اختلاف‌نظرهای‌شان در برائت از دولت حسن روحانی ضمن ابراز ارادت به شهید رئیسی متفق‌القول باشند. اگرچه قول برخی از آنها مانند آقای پزشکیان واقع‌نما نیست. آقای پزشکیان در برنامه مناظره پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ سعی کرد برای فرار از مقایسه‌شدن با دولت آقای روحانی، خود را به دولت اصلاحات در دهه ۷۰ ضمیمه کند و گفت: «من وزیر دولت خاتمی بودم، از نظر اقتصاد بروید نگاه کنید ببینید آن دوران اوضاع بهتر بود یا الان؟» غافل از آنکه دولت اصلاحات نیز به گواهی مطبوعات حامی اصلاح‌طلبان در آن دوران وضعیت خوبی در حوزه اقتصاد نداشت. این فقط بُعد زمان و ضعف حافظه است که می‌تواند از اوضاع نامناسب اقتصادی آن زمان؛ رؤیاسازی کند. ۲۶ تیر ۱۳۸۴ روزنامه اصلاح‌طلب شرق در نقد عملکرد اقتصادی دولت اصلاحات نوشت: «اصلاح‌طلبانی که در اقتصاد از الگوی کارگزاران سازندگی پیروی می‌کردند، ندیدند که زنان و مردان فقیر کودکان خود را برای نجات از مرگ و گرسنگی می‌فروشند. آنها آن‌قدر در کشاکش پروژه لیبرال دموکراسی غرق شده بودند که با تمام وجود از دولت اصلاحات با تمام عیب و ایرادهای اقتصادی حمایت کردند.»

آقای پزشکیان در همان مناظره پنجشنبه شب در توجیه حضور گسترده دولتمردان روحانی در ستاد انتخاباتی خود علی‌رغم اینکه از کارنامه آن دولت اعلام برائت می‌کرد، گفت: «هر کسی به ستاد من بیاید می‌پذیرم، چون می‌خواهم رای بگیرم.» همین عبارت یک زنگ خطر جدی است. دقیقا به همین دلیل کاروانی از ورشکستگان سیاسی، پشت سر آقای پزشکیان پنهان شده‌اند تا پس از کسب رأی توسط ایشان؛ تکه‌ای از لقمه چرب قدرت را به دندان بگیرند؛ از این منظر دولت آقای پزشکیان حتی از دولت سوم روحانی نیز خسارت‌بارتر خواهد بود.

سید محمدعماد اعرابی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

چرا هیچ کس دولت روحانی را گردن نمی‌گیرد!

سرویس سیاسی- **حضور پرشمار اعضای کابینه روحانی در ستاد مسعود پزشکیان از سویی و تلاش وی برای دوری از اطلاق دولت سوم روحانی به او، یکی از نکات مهم در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ به شمار می‌آید.**

در فاصله کمتر از یک هفته به برگزاری انتخابات چهاردمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، اعضای کابینه روحانی که به نماد ناکارآمدی و سوءمدیریت در ادبیات سیاسی ایران تبدیل شده‌اند، به شکل‌های مختلف نقش ویژه‌ای را در ستاد مسعود پزشکیان ایفا می‌کنند.

از سویی دیگر پزشکیان به شکل نامحسوسی نارضایتی و دوری جستن خود از اطلاق دولت سوم روحانی را در پیش گرفته و علی‌رغم اینکه دولت خاتمی نیز کارنامه درخشانی را برجای نگذاشت، بیشتر به دنبال معرفی خود به عنوان امتداد خاتمی به جای اطلاق ادامه دولت روحانی است.

نکته قابل ملاحظه در این میان این است که دولت خاتمی نیز کارنامه‌ای موفق از خود برجای نگذاشت و حتی حمایت خاتمی از مصطفی معین رای قابل توجهی را برای وی به ارمغان نیاورده و در انتخابات ۱۳۸۴، محمود احمدی‌نژاد با تعریف خود درست در مقابل گفتمان اصلاحات و کارگزاران، توانست به پیروزی برسد.

شاید پزشکیان نمی‌خواهد این واقعیت‌ها را به‌خاطر آورد ولی در پایان دولت اصلاحات، افزایش شدید فاصله طبقاتی و افزایش رقم ضریب جینی که نشان‌دهنده نابرابری در توزیع ثروت در میان اقشار مختلف جامعه هست در یکی از بدترین زمان‌ها در سالیان پس از انقلاب اسلامی قرار داشت. اعتصاب‌های متعدد میان معلمان و کارگران در سال‌های پایانی دولت اصلاحات خود نشانگر وضعیت این دولت در شاخص‌های اقتصادی است.

در طی روزهای اخیر مهم‌ترین محل بحث در میان نامزدها و طرفدارانشان انتساب به دولت‌های گذشته و به نقد کشیدن دولت‌های پیشین است.

در این میان تنها دولتی که هیچ‌کس از انتساب به آن خشنود نیست دولت یازدهم و دوازدهم به ریاست روحانی است. این دولت چنان کارنامه تأسف باری را در ضربه به اقتصاد و توسعه کشور و تضییع منافع ملی کشور به ثبت رساند که حتی در میان طیف مدعی اصلاحات نیز اباداشتن از انتساب به روحانی و دولتمردانش به وضوح دیده می‌شود.

گرچه ژنرال‌های خودخوانده دولت روحانی با تلقی فراموشکاری ملت ایران در فرار به جلو، سعی در ابراز وجود در صحنه سیاسی کشور دارند ولی شکست مسئولان و منتسبین به دولت یازدهم و دوازدهم همچون محمدباقر نوبخت در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی نشانگر به یادماندن دوران تلخ دولت یازدهم و دوازدهم در اذهان ملت ایران است.

گردن نگرفتن دولت روحانی مربوط به سالیان اخیر نیست، این دولت از همان ابتدا نیز با عناوینی همچون رحم اجاره‌ای از سوی مدعیان اصلاحات نامیده می‌شد و با شدت گرفتن ناکارآمدی این دولت، رسانه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات در همان سال‌های آخر این دولت با سکوت ناشی از شرم جرأت دفاع از کارنامه بد این دولت را نداشته و برخی معدود از شخصیت‌های سیاسی مدعی اصلاحات نیز صراحتا پشیمانی خود را در دفاع از ناکارآمدی روحانی و دولتمردانش ابراز داشتند.

خواب شوم دولتمردان روحانی برای پزشکیان

در طی روزهایی که از تبلیغات انتخاباتی انتخابات ۸ تیر می‌گذرد به تدریج وزرا و مسئولین دولت یازدهم و دوازدهم که در طی سه سال اخیر هیچ تحرک سیاسی شاخصی نداشتند و در برابر دستاوردهای بیشمار دولت شهید رئیسی خود را زبون و شکست خورده می‌دیدند به تدریج در حمایت از مسعود پزشکیان وارد صحنه مبارزات انتخاباتی شدند.

حمایت ورشکستگانی همچون بیژن زنگنه با ید طولایی که در رکود صنعت نفت و ایجاد بسترهای فساد در این حوزه داشت، حضور و حمایت عباس آخوندی که بی‌مسئولیتی وی در صنعت مسکن و راهسازی شهره بوده و اخلاق تند وی مورد انتقاد اکثر جریانات سیاسی است، حضور پررنگ محمد جواد ظریف که با شاهکار برجام در ضربه به منافع ملی در تاریخ ایران ماندگار شده، حضور افراد دیگری همچون محمد باقر نوبخت، عباس واعظی، آذری جهرمی در ستادهای وی و حمایت جهانگیری از پزشکیان، نشانگر خواب شومی است که مسئولان دولت روحانی برای پزشکیان دیده‌اند.

پزشکیان نیز به خوبی این نکته را دریافته است که حضور این افراد در ستادهای وی و نزدیکی آنان به وی باعث افزایش رای منفی برای اوست.

زنجیره‌ای‌ها به خط شدند

رسانه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات همچون هم میهن و سازندگی نیز با درک دافعه دولت روحانی برای مسعود پزشکیان، همت خود را بر معرفی وی به عنوان ادامه دولت خاتمی داشته و دارند.

در این راستا روزنامه هم میهن در شماره روز شنبه خود با انتخاب تیتر «در راه خاتمی» و روزنامه سازندگی در شماره روزگذشته خود با ذکر تیتر «امتداد خاتمی» سعی در از بین بردن اطلاق «دولت سوم روحانی» برای پزشکیان و معرفی بدیلی برای این اطلاق توهین‌گونه نسبت به پزشکیان دارند. آنان به خوبی دریافته‌اند که در این روزها لفظ دولت روحانی در بین ملت ایران همچون توهین به شمار آمده و نفرت مردم از هشت سال سیاه دولت یازدهم و دوازدهم روحانی از بین نرفته و خاطره بد سال‌های فشار اقتصادی و رکود و ناکارآمدی آن دوران از یاد ملت ایران نرفته است.

پاک آیین:

دولت آینده باید تجربه موفق هماهنگی میدان و دیپلماسی را دنبال کند

سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان گفت: تقویت محور مقاومت در منطقه همچنان باید در دستور کار سیاست خارجی ایران باشد و در این مورد تجربه موفق دولت سیزدهم مبنی بر هماهنگی کامل بین میدان و دیپلماسی باید دنبال شود.

محسن پاک آیین سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان در گفت‌وگو با ایرنا درخصوص خطی مشی سیاست خارجی دولت چهاردهم اظهار داشت: با توجه به در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری به نظر می‌رسد که در حوزه سیاست خارجی چنانچه دولتمردان آینده چه رئیس‌جمهور و چه وزیر امور خارجه، برخی از رویکردهایی که در دولت سیزدهم داشتیم و در دولت شهید رئیسی جواب داده را دنبال کنند به نظر می‌رسد که بتوانیم کماکان دستاوردهای خوبی را در سیاست خارجی داشته باشیم.

وی با بیان اینکه اولین رویکرد تقویت روابط با کشورهای همسایه در چهارچوب سیاست همسایگی به حساب می‌آید گفت: با توجه به اینکه ایران از ۱۵ کشور همسایه برخوردار است و بعد از چین بیشترین تعداد همسایه‌ها را دارد و با احتساب کشورهایی که با فاصله یک کشور با ما فاصله دارند در مجموع ۲۵ همسایه دور و نزدیک داریم.

سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان تصریح کرد: امیدواریم سیاست توجه به کشورهای همسایه و تقویت روابط با آنها کماکان در دستور کار سیاست خارجی دولت چهاردهم هم قرار داشته باشد. ایران با توجه به‌موقعیت خوب جغرافیایی که دارد می‌تواند از فرصت‌های خوب ترانزیتی و حمل‌ونقل با کشورهای دوست و همسایه در راستای تامین منافع ملی استفاده کند.

پاک آیین با بیان اینکه دومین رویکرد مناسبی که در سیاست خارجی دولت سیزدهم وجود داشت نگاه به شرق بود، افزود: به لحاظ جغرافیایی کشورهایی که در شرق ایران و آسیا هستند از جمله چین، ژاپن و کره جنوبی و در مفهوم سیاسی آن کشورهایی که در مخالفت با غرب قرار دارند یا مخالف یکجانبه‌گرایی غرب در دنیا هستند، هر دو گروه می‌توانند در قالب رویکرد به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرند.

سفیر پیشین ایران در زامبیا بیان کرد: نکته مهم دیگر مسئله حضور و نفوذ ما در غرب آسیا هست که بسیار هم امر مهمی به حساب می‌آید، حضور ایران در غرب آسیا موجب قدرتمندتر شدن ایران و کشورهای این حوزه شده است چرا که به طور مشترک در چهارچوب محور مقاومت با تروریسم، صهیونیسم، سلطه‌گری و مداخله غرب در امور داخلی این کشورها مقابله کرده‌ایم و توفیقات زیادی را هم به دست آوردیم.

پاک آیین اضافه کرد: تقویت محور مقاومت در منطقه همچنان باید در دستور کار سیاست خارجی ایران باشد و در این مورد تجربه موفق دولت سیزدهم مبنی بر هماهنگی کامل بین میدان و دیپلماسی باید دنبال شود.

وی گفت: نکته دیگر موضوع مذاکرات لغو تحریم‌ها است که جمهوری اسلامی ایران باید این مذاکرات را همچنان ادامه دهد و ترک نکند البته با هدف رفع تحریم‌ها، یعنی باید به صورت عزتمندانه به دنبال این باشیم که تعهدات خود را در قبال اجرای تعهدات طرف مقابل عملیاتی کنیم. هرچند که این طرف مقابل یا همان آمریکا است که با خروج از برجام میز مذاکره را ترک کرد و تعهدات خود را انجام نداد، اما در نهایت ایران همچنان باید تلاش خود را در مسیر لغو تحریم‌ها از طریق مذاکره و گفت‌وگو با طرف‌های مقابل را دنبال کند.

به گزارش ایرنا، سفیر پیشین ایران در ازبکستان عنوان کرد: تقویت دیپلماسی اقتصادی هم به نظر می‌آید که بهتر است کماکان در رویکرد سیاست خارجی دولت آینده وجود داشته باشد و در یک دیپلماسی فعال برای بخش‌های خصوصی در کشورهای مختلف بسترسازی کنیم تا بتوانند ضمن دنبال کردن اهداف اقتصادی خود از طریق ارتباط دولت با دولت در سطح اقتصاد کلان مثل فروش نفت گاز میعانات و همچنین احداث خطوط ریلی و جاده‌ای بتوانیم بستر مناسبی را برای توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای دوست فراهم آوریم.

خبر ویژه

در منطق شهید سلیمانی شما محکوم هستید

ظریف گفت: آیا صحبت‌های شهید سلیمانی را نشنیده‌اید که گفت دختران بدحجاب دختر من هستند؟ آیا نشنیدید؟ چرا توی سرش باتوم زدید؟

جواد ظریف در سخنرانی برای ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان در کاشان گفت: شجاعت در تصمیم‌گیری و در هزینه کردن از خود درست است، شجاعت در هزینه کردن از جیب مردم درست نیست، مردم ما مستحق این هستند که ما در راه آن‌ها قربانی شویم، مردم ما مستحق این نیستند که قربانی مطامع حزبی و سیاسی ما شوند، مردم ما شهید دادند که با گوشت ۷۰۰ هزار تومانی زندگی کنند؟ مردم ما مقاومت کردند در برابر تحریم که گروهی پررو بیایند و باز هم از جیب آن‌ها خرج کنند و بگویند وضع خیلی خوب است؟ مردم ما به خاطر شعارهای شما شب گرسنه می‌خوابند.

محمدجواد ظریف در کاشان گفت: ما بر خلاف اقلیت پررو دنبال غوغاسالاری نیستیم و به دنبال خفه کردن صدای مخالفت هم نیستیم، دنبال این هستیم که مخالف سخن بگوید، شما به اسم شهدا صدای مخالفانتان را خفه کرده‌اید، آیا صحبت‌های شهید سلیمانی را نشنیده‌اید که گفت دختران بدحجاب دختر من هستند؟ آیا نشنیدید؟ چرا توی سرش باتوم زدید؟ با خون شهدا کاسبی نکنید، ما طلبی از مردم نداریم این مردم هستند که از ما طلبکار هستند.

ظریف ادامه داد: دوستان خودتان در جبهه پایداری گفتند سردار سلیمانی گفت اگر جلیلی رئیس‌جمهور شود من یک روز نمی‌مانم، آقای قالیباف اخیراً گفت که سوپر انقلابی‌ها شهید سلیمانی را هم قبول نداشتند حالا چه کسی دروغگو است؟ دوستان من با خون شهدا بازی نکنید شهدا با صداقت رفتند، کجایید ای شهیدان خدایی؟

اولاً که گوینده ادعای اخیر درباره آقای جلیلی، از گفتار خود به خاطر غلط بودن عذرخواهی کرد. اما غربگراها دوست دارند همان دروغ را تکرار کنند. ثانیاً استناد آقای ظریف به شهید سلیمانی در حالی است که وی چند نوبت در سال‌های پس از شهادت شهید سلیمانی، علیه عملکرد آن شهید در میدان مقاومت سخن گفته و میدان را موجب هزینه برای دیپلماسی و اقتصاد وانمود کرده است! این در حالی است که سوء مدیریت فاحش امثال ظریف و روحانی در برجام و پسابرجام، یکی از عوامل گستاخ شدن آمریکا برای ترور شهید سلیمانی بود. این در حالی بود که دولت برجام در کنار واگذاری یا تعطیلی بخش عمده‌ای از برنامه هسته‌ای، شمار تحریم‌ها را به دو برابر رساند و ضمناً کشور را با سقوط فاحش صادرات نفت دست به‌گریبان کرد؛ تا جایی که مقامات دولت روحانی می‌گفتند حتی قادر به تأمین ارز غذا و دارو نیستند و این از فجایعی بود که ظریف رقم زد.

از سوی دیگر، شهید سلیمانی با وجود خویشتنداری بسیار بالا، چندین نوبت در اثر مشاهده حجم کجروی‌ها و خسارت‌های تیم روحانی و ظریف، زبان به نقد و نصیحت گشود؛

شهید سلیمانی مهر ۹۵ هشدار داد «در خط مقدم جنگ با دشمن، نباید دو صدا بلند شود و کسانی بگویند دشمن نیست، دوست است. خوارج، محصول ترویج همین نگاه بودند. اگر صاحب‌منصبانی آدرس غلط دادند و در جامعه دوصدایی دشمن درست کردند، مرتکب خیانت شده‌اند. کوچه دادن به دشمن، بدترین نوع خیانت است. ترویج فهم غلط از دشمن، حساسیت جامعه را از بین بردن و در درون آن تفرقه درست کردن، خیانت است».

حاج قاسم همچنین ۹ اسفند ۹۷، از ساده‌اندیشی درباره برجام برحذر داشت و گفت: «برای دشمن، این برجام، سه ضلعی است نه یک ضلعی. اوباما فکر می‌کرد به مرور زمان به دو ضلع دیگر می‌رسد، اما آدم عجولی که آمده، اصرار دارد به سرعت برسد و تصورش این بود که می‌رسد. اینکه اصرار می‌کنند بر برجام ۲ در منطقه، برای این است که می‌خواهند این تحرکی را که از ایران اسلامی به جهان اسلام روح و جان داده، بخشکانند. اگر العیاذ بالله ما رفتیم و در برجام ۲ شرکت کردیم، به همین تمام می‌شود؟ نه، برجام اصلی در داخل ایران است. تلاش آنها به این‌جا منتهی نخواهد شد و برجام سه هم خواهند داشت، چون معتقدند چشمه باید خشکانده شود و این چشمه، ایران است.»

آقای ظریف نمی‌داند که این هشدارهای ناظر به واقعیات، درباره سوء عملکرد چه کسانی بود؟ یا چرا نسبت به اعتماد به آمریکا در ژنو و غفلت از تسلیح و تجهیز داعش در پشت مرزهای ایران هشدار می‌داد؟! آقای ظریف به جای پاسخگویی درباره خسارت‌های عظیمی که به بار آورده، دوست دارد جامعه را در موضوعاتی مانند حجاب و... دو قطبی کند؟ او اگر کارنامه قابل دفاعی داشت، مرتکب چنین جفایی می‌شد؟ آقای ظریف نمی‌داند که با تحریف واقعیات برجام و کتمان عهدشکنی دولت‌های آمریکا و متهم کردن مجلس (به خاطر قانون اقدام بازدارنده) همچنان دارد برای دشمن عهدشکن کوچه باز می‌کند؟

خسارت‌های دولت روحانی با هیچ دولتی قابل مقایسه نیست

روزنامه زنجیره‌ای شرق با اشاره به تبلیغات نامزدهای انتخابات، برخی از این تبلیغات را بی‌توجه به واقعیت‌ها و وعده‌های نشدنی توصیف کرد.

شرق می‌نویسد: «از یارانه ۴۵ هزارتومانی دولت محمود احمدی‌نژاد تا سبد غذای دولت حسن روحانی و یارانه بنزین و یارانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزارتومانی دولت ابراهیم رئیسی، مدام اعداد یارانه بزرگ و بزرگ‌تر شده و تورم چندین برابر آن رشد داشته است. دولت‌ها در مقابل، بارها گفته‌اند که پرداخت ارقام سنگین یارانه موجب کسری بودجه و تورم بیشتر و قدرت خرید کمتر مردم شده است اما به طور عجیبی به سیاست پرداخت یارانه نه‌تنها ادامه داده‌اند بلکه مدام عدد آن را بیشتر کرده‌اند. حالا در مناظرات چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برخی کاندیداها بدون توجه به تجربیات مکرر و شکست‌آمیز پول‌پاشی دوباره وعده‌های بزرگ‌تر و عجیب‌تری برای پرداخت یارانه به مردم می‌دهند!

احمدی‌نژاد، رئیس دولت دهم، پاییز سال ۱۳۸۹ روبه‌روی قاب تلویزیون نشست و گفت که تصمیم به جراحی اقتصادی دارد و در مقابل قرار است به تمام مردم ماهانه ۴۵ هزار تومان یارانه نقدی بدهد. وعده‌ای که او در هنگام انتخابات تکرار کرده بود. محاسبات درست از آب درنیامد و درست وقتی که رئیس‌جمهوری دولت بهار تصمیم داشت کلید پاستور را تحویل رئیس‌جمهوری بعدی بدهد، تورم بالا مدام خبرساز بود؛ آن‌قدر بالا که دستمایه سال‌ها تبلیغات نامزدهای پس از او شد. در پایان دولت او و مطابق گزارش بانک مرکزی تا دی ماه سال ۹۱ تورم به ۲۸.۷ درصد رسید و همین مرجع پیش‌بینی کرد نرخ تورم تا پایان سال ۹۱ به ۳۲ درصد برسد.

حسن روحانی، رئیس دولت یازدهم، در گزارش صدروزه آغاز به کار دولت خود، از بدهی بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت خبر داد که از دولت پیشین به جا مانده است. در نهم اردیبهشت ۱۳۹۳ حسن روحانی، در یک برنامه تلویزیونی گفت که دولت او ماهانه بین هزار تا هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان برای پرداخت یارانه کسری دارد، با این حال دولت سعی کرده که قیمت حامل‌های انرژی را با شیب ملایم ۵۰ درصدی افزایش دهد.

گزارش‌های مداوم از درشت‌ترشدن ارقام کسری بودجه و دست تنگ دولت برای پرداخت یارانه مدام از سوی کابینه روحانی تکرار شد، تا آنجا که دولت مجبور شد برای تأمین این کسری بهای بنزین را ناگهان افزایش دهد و در ازای آن مبلغ یارانه را بیشتر کند. آن زمان دولت روحانی کاهش درخور توجه درآمدهای نفتی را تجربه می‌کرد. افزایش قیمت بنزین حوادث آبان ۱۳۹۸ را رقم زد و درعین‌حال تورم همچنان افزایشی بود، به طوری که در پایان دهه ۹۰ قدرت خرید مردم یک‌سوم کمتر از ابتدای دهه ۹۰ بود.

در دولت سیزدهم، ابراهیم رئیسی که زیر فشار مضاعف کسری بودجه و تحریم بود، گفت که ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی فساد آورده است و تصمیم دارد ارز ترجیحی دارو و کالاهای اساسی را حذف کند و وعده داد که در نهایت فقط قیمت چهار قلم کالا بیشتر می‌شود اما مبالغ یارانه به ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومان می‌رسد. ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی حذف شده و نرخ آن به ۲۸هزار و ۵۰۰ تومان رسید اما نه چهار قلم کالا بلکه قیمت انواع اقلام اساسی به‌سرعت رشد کرد و تورم برخی از انواع مواد غذایی به سه رقم هم رسید.

حالا در شرایطی که وضعیت اقتصاد نابسامان‌تر از همیشه است و تکلیف تحریم هم مشخص نیست، وعده‌های یارانه برخی نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری گزاف‌تر و درشت‌تر شده است».

درباره این تحلیل روزنامه شرق گفتنی است که سه دولت احمدی‌نژاد، روحانی و رئیسی در مقام مقایسه مثل هم نیستند. سند روشن این ادعا این است که دولتمردان روحانی پس از هشت سال وعده و هیاهو اعلام کردند آرزوی‌شان بازگشت به وضعیت اقتصادی سال ۱۳۹۰ (دولت احمدی‌نژاد) است. دولت روحانی رکوردهای منفی تکرار ناپذیر و بی‌نظیری را برجا گذاشت در حالی که بخش مهمی از برنامه هسته‌ای را هم واگذار یا تعطیل کرده بود و پس از گروگان گرفته شدن در برجام، آماده واگذاری دیگر منابع قدرت و پیشرفت نظیر کاهش ساخت نیروگاه‌های فسیلی (طبق تعهد در توافق آب و هوائی پاریس) و توانمندی‌های نظامی و نفوذ منطقه‌ای بود.

رکورد تورم ۶۰ درصدی، نرخ ارز ۹ برابر شده، تورم‌های ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ درصدی در اقلامی مانند سکه و طلا و خودرو و... انفجار رشد نقدینگی تورم ساز، خزانه خالی ارزی و ریالی، رساندن میزان کسری بودجه از حدود ۵۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ به رقم ۴۸۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰، بدهی ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومانی و... کارنامه دولت روحانی در پایان کار بود و دولت شهید رئیسی توانست بخشی از این مصائب بزرگ را جبران کند.

از سوی دیگر باید یادآور شد که دولت روحانی هم سیاست غلط واگذاری چند ده میلیارد دلار ارز ۴۰۰ تومانی را به شکل واگذاری رانت به اجرا گذاشت، هم خزانه ارزی را به هنگام تحویل به شهید رئیسی تهی کرد، هم مجبور شد ارز ۲۰ قلم کالا از مجموع ۲۴ قلم کالا را حذف کند، هم قیمت بنزین را برای گل و بلبل‌نمایی فضای پسابرجامی به مدت چهار سال سرکوب و سپس سه برابر کرد و اقتصادی ورشکسته را تحویل داد. بنابراین حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، یک تحمیل به دولت رئیسی بود و نه اختیار و انتخاب آن دولت.

همه این فجایع که شرح آن مثنوی ۷۰ من کاغذ می‌شود، به خاطر وعده‌های دروغینی بود که روحانی در انتخابات برای پیروزی به هر قیمت داد و روزنامه‌های اجاره مثل شرق هم به شکل پیمانکاری و تبلیغاتچی پای کار عوام فریبی رفتند. بعداً که کار از کار گذشت، مدیر روزنامه شرق در اثر فشارها و اعتراض افکار عمومی گفت «من مبالغه درباره برجام رو قبول دارم. این مبالغه‌ها باید می‌شد به این خاطر که فضا خیلی فضای تنگ و ترشی بود، دولت باید در حقیقت این موضوع رو قدری بزک می‌کرد که بتونه حرفش رو به کرسی بنشونه... بالاخره این بازی با تیتر هست دیگه» (!!)

همچنین محمد عطریانفر عضو مرکزیت حزب کارگزاران گفته بود: «دولت برای این که بتواند از برجام، ظرفیت تبلیغاتی و انتخاباتی بگیرد -چون مردم ظرفیت امنیتی را براحتی نمی‌فهمند- یک ظرفیت دیگر به برجام بار کرد و آن ظرفیت اقتصادی است. این خیلی بزرگ‌تر ازواقعیت بود و به پیکره دولت آسیب زد».

در این روند دروغین وعده درمانی، روحانی چندبار گفته بود «ما هیچ توافقی را امضاء نخواهیم کرد، مگر آنکه در اولین روز اجرای توافق، تمامی تحریم‌های اقتصادی، همان روز و بالمرّه (یک‌جا) لغو شود». و «عیداله فراوان شد، تا باد چنین بادا... امروز به ملت شریف ایران اعلام می‌کنم که طبق توافق، در روز اجرا تمامی تحریم‌ها لغو خواهد شد. تمام تحریم‌های اقتصادی شامل مالی، بانکی، بیمه، حمل‌ونقل، پتروشیمی و فلزات گرانبها بالمره (یکباره) لغو خواهد شد و نه تعلیق».

گفتنی است روزنامه بزک کار شرق، اواخر خرداد پارسال از قول لیلاز نوشت: «گره زدن اقتصاد به تحریم، دروغ بزرگی بود. آنها که سال‌ها هرگونه بهبود بنیادین در اوضاع اقتصادی را در گرو حل مسئله هسته‌ای، رفع تحریم‌ها و برقراری روابط با آمریکا دانسته‌اند، در همه این سال‌ها و به مدد شواهد متقن، بر سر قبری گریسته‌اند که مرده‌ای در آن دفن نشده است. من نمی‌گویم تحریم اهمیت ندارد یا حتی کم اهمیت است؛ اما تعیین‌کننده نیست. بر پایه شواهد موجود، درجه مقاومت اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها به روشنی در حال افزایش است و به موازات کاهش سهم نفت در تولید ملی، آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر تحریم‌ها نیز کاهش یافته است».

منفی‌بافی گسترده رسانه‌های بیگانه علیه انتخابات ریاست جمهوری ایران

رسانه‌های بیگانه با شدت تمام و با استخدام برخی عناصر متواری در حال ترویج تحریم انتخابات هستند.

دویچه‌وله آلمان به قلم «علی- الف» عضو متواری دفتر تحکیم و اصلاح‌طلب سابق نوشت: با تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان، بحث شرکت در انتخابات بار د